

## ساخت فعل در گویش مازندرانی ساری

گیتی شکری



گویش مازندرانی (طبری) از نظر تاریخی یکی از گویشهای دسته شمالی است که اکنون در منطقه‌ای که از سوی مشرق به بهشهر، از مغرب به حدود شهنسوار، از شمال به کرانه‌های خزر، و از جنوب به بخش شمالی کوههای البرز محدود است گفتگو می‌شود. مازندرانی به سبب ارتباط نزدیک با فارسی، توسعه رسانه‌های گروهی و راه‌یافتن رادیو و تلویزیون به درون خانه‌های شهری و روستایی و سایر مظاهر تمدن جدید، دستخوش تحوّل گشته و روبه فراموشی است. امروز حتی برنامه‌های محلی رادیوی منطقه، که به این گویش اجرا و پخش می‌شود، بسیار دور از زبانی است که هم اکنون در این منطقه به آن صحبت می‌شود. به نظر می‌رسد که طی سالهای آینده تغییرات بیشتری در گویش منطقه پدید آید، زیرا ارتباط مازندان با سایر مناطق کشور و کوچهای فصلی و مهاجرت‌های دایمی که از مناطق دیگر (به سبب حاصلخیزی و تنوع آب و هوا) به آنجا انجام می‌شود، هر بار عدّه

جدیدی را در شهرهای این استان ساکن می کند. بزرگ شدن سریع شهرها، پیوستن باغها و روستاهای اطراف را سبب می گردد. همچنین افزونی جمعیت به سبب شرایط جنگی و ایجاد کارخانه ها و کارگاهها، تغییر یافت قومی منطقه را در پی دارد. مواد اولیه این بررسی از گویش مازندرانی شهر ساری، مرکز استان مازندران انتخاب شده و بحث زیر درباره برخی ویژگیهای ساخت فعل در این گویش، بر همین پایه است.

در این گویش، فعل ساده دارای دو زمان حال و گذشته است که به ترتیب از ستاک حال و گذشته ساخته می شود و در وجوه مختلف همراه با پیشوندهای وجه و نفی و شناسه می آید. زمانهای مرکب از پیشوند مصدری به اضافه ستاک گذشته یا اسم مفعول همراه با زمانهای مختلف فعل کمکی «بودن» ساخته می شود.

۱- نشانه مصدر: نشانه مصدر Pen, yen, pen<sup>۱</sup> است که پس از ستاک گذشته به ترتیب زیر می آید:

۱-۱- در ریشه (ماده فعل) مختوم به همخوان بیواک، ستاک گذشته مختوم به /t/ و /s/ و نشانه مصدر -en است:

he - niš - t - en نشستن

da - ke - t - en افتادن

be-[e]ške-ss-en شکستن

۱-۲- در ریشه مختوم به /t/ ستاک گذشته مختوم به /d/ و نشانه مصدر -en است.

ba - ver - d - en بردن

hā - kor - d - en کردن

۱-۳- در ریشه مختوم به واکه /i/ عنصر زمانی ستاک گذشته که احتمالاً /d/ بوده است، مطابق قانون همگونی پیشگرا به /y/ که واجگاهش با /i/ یکی است تبدیل می شود<sup>۲</sup> و بعد از ستاک گذشته -yen به عنوان نشانه مصدر می آید:

da - puši- yen پوشیدن

ba - di - yen دیدن

رسیدن ba - resi - yen

۴-۱. اگر ریشه به واکه‌های /ā/ و /u/ خاتمه یابد، واج چاکنایی /p/ بین ستاک گذشته و نشانه مصدر می‌آید:

دادن he - dā - pen

انداختن di[ɪ]ngu - pen

۵-۱. مصدر سببی: نشانه سببی میانوند -eni/-endi- است که بعد از ستاک حال و قبل از نشانه مصدر -yen می‌آید:

ترسانیدن ba - ters - eni - yen

سوزاندن ba - suz - eni - yen

خوابانیدن ba - xos - eni - yen

که به صورت زیر نیز گاه دیده شده است:

ترسانیدن ba - ters - endi - yen

سوزاندن ba - suz - endi - yen

خوابانیدن ba - xos - endi - yen

لازم به یادآوری است که قبل از ستاک گذشته و حال در موارد بالا پیشوندهای مصدری می‌آیند:

مصدر = -en/yen/ en + ستاک گذشته + پیشوند مصدری

مصدر سببی = -eni/endi+yen + ستاک حال + پیشوند مصدری

۲ - پیشوند مصدری: واژگهایی است که بر سر ریشه فعل در ساختمان مصدر، مصدر سببی، اسم مفعول، گذشته ساده، وجه‌های التزامی و امری دیده می‌شود. این پیشوندها ثابت هستند و هرکدام بر سر فعلی می‌آیند. واژگه‌های مذکور عبارتند از: ha و da, ba، که هرکدام از آنها دارای گونه‌های ha, de, da, be, bo, bi و hā و he است:

فروختن ba - ru - t - en

شمردن be-[e] šmār - e - ss - en

ایستادن he - r - essā - pen

de - mā-ss - en ماسیدن

bi - y - a mu -pen آمدن

da - kel - e -ss - en ریختن

hā - kor - d - en کردن

۳- ستاك فعل: فعلِ مازندرانی گونه ساری دو ستاك برای دو زمان گذشته و حال دارد. ستاکهای گذشته و حال به صورت زیر درمی آید:

۳-۱- با کاستن آخرین همخوان /t/ یا /d/ از ستاك گذشته (عنصر زمانی) ستاك حال ساخته می شود: <sup>۵</sup>

حال گذشته

vard- var-ver- بردن

ništ- niš- نشستن

burd- bur- رفتن

۳-۲- همخوان /t/ (عنصر زمانی) حذف می شود و به جای آن /z/, /t/, /l/, /s/ یا

/t/ می آید:

حال گذشته

rut- ruš- فروختن

dut- duŋ- دوختن

kat- kaf- افتادن

get- ger- گرفتن

۳-۳- ستاك گذشته ای که به واکه ختم شود در ستاك حال تغییر می یابد:

حال گذشته

dā- de- دادن

۳-۴- واکه تغییر می یابد و همخوانی اضافه می گردد:

Zu- za/zan زدن

۳-۵- خوشه /st/ ستاك گذشته حذف و به جای آن در ستاك حال /t/ یا /l/

می آید:

گذشته	حال	
gožešt-	gozer-	گذشتن
pešt-	peł-	گذاشتن

۳-۶- واکه پایانی /i/ ستاک گذشته در ستاک حال حذف می شود:

گذشته	حال	
puši-	puš-	پوشیدن
tāši-	tāš-	تراشیدن
kaši-	kaš-	کشیدن

۳-۷- دو ستاک متفاوت برای دو زمان:

گذشته	حال	
di-	vi-vin-	دیدن
kord-	ko-kon-	کردن

۳-۸- ستاک گذشته با حذف عنصر زمانی -ess به ستاک حال تبدیل می شود:

گذشته	حال	
rekess-	rek-	خاریدن
larzess-	larz-	لرزیدن

اگر ستاک حال به واکه ختم شود، عنصر زمانی گذشته -ss حذف می شود:

xāss-	xā-	خواستن
pešnošs-	pešno-	شنیدن

۴- اسم مفعول: از پیشوند مصدری (← ۲) و ستاک گذشته و پسوند -e ساخته می شود:

da - pit - e	پیچیده
ba - merd - e	مرده
ba - xundess - e	خوانده
ba - soss - e	ساییده

اسم مفعول هم به صورت فعل سوم شخص گذشته ساده و هم به صورت

صفت به کار می رود. وقتی به صورت فعل سوم شخص گذشته ساده به کار می رود تکیه بر روی پیشوند مصدری قرار می گیرد و زمانی که به صورت صفت می آید تکیه در آخر است. مثال:

béškesse	شکست
bápete	پخت
beškessé livān	لیوان شکسته
bapeté ʔ ezā	غذای پخته
bašossé raxt	لباس شسته

۵- وندهای وجه: پیشوندهایی که در گذشته ساده، وجه التزامی و امر دیده می شود در حقیقت همان پیشوند مصدری (← ۲) است که در زمانهای مذکور نیز ظاهر می شود:

نشستم	he-niš-t-e-me	کردم	hā-kor-d-e-me	گذشته ساده
بنشینم	he-ni-š-em	بکنم	hā-kon-em	التزامی
بشین	he-niš	بکن	hā-kon	امر
افتادم	da-ke-t-e-m-e	خوردم	ba-xor-d-e-me	گذشته ساده
بیفتم	da-kef-em	بخورم	ba-xor-em	التزامی
بیفت	da-kef	بخور	ba-xor	امر

۶- نفی: واژك «na» برای منفی ساختن فعل است که بر حسب نوع واك پیشوند مصدری، به صورتهای «ni» یا «ne» به کار می رود. با آمدن واژك نفی پیشوند مصدری یا وند وجه حذف می گردد:

نیاوردم	ni-yārd-e-me	آوردم	bi-yārd-e-me
نکن	na-kon	بکن	hā-kon
نخوردم	na-xord-e-me	خوردم	ba-xord-e-me

۷- شناسه: حکم ضمائر متصل فاعلی را دارد و شخص و شمار فعل را تعیین

می کند:

شناسه‌های اخباری لازم و متعدی پس از واکه و همخوان  
پس از همخوان و واکه پس از همخوان شناسه‌های حال التزامی شناسه‌های ماضی

-me	-em	-me	-mbe
-i	-i	-ni	-ni
-[y]e	-e	-ne	-ne
-mi	-im	-mi	-mbi
-ni	-in	-neni	-neni
-ne	-en	-nene	-nene

برای توضیح بیشتر در این موارد به ساخت گذشته ساده، التزامی، و حال اخباری در همین مقاله رجوع شود.

۸-۱- زمانهای افعال: زمانهای افعال به دو دسته ساده و مرکب تقسیم می‌شود:

۸-۱-۱- زمان‌های ساده:

الف- حال اخباری: از ستاک حال و شناسه‌های شخصی اخباری ساخته می‌شود:

kārme	می کارم	yārme	می آورم
kārni	می کاری	yārni	می آوری
kārne	می کارد	yārne	می آورد
kārmi	می کاریم	yārmi	می آوریم
kārneni	می کارید	yārneni	می آورید
kārnene	می کارند	yārnene	می آورند
	نفی		نفی
nekārme	نمی کارم	niyārme	نمی آورم

شناسه‌های حال اخباری بر حسب اینکه به واکه یا برخی همخوانها ختم شوند، دچار تغییراتی به شرح زیر می‌شوند:

۸-۱-۱- هرگاه ستاک حال به همخوانهای /i/ و /r/ ختم شود، شناسه‌ها به

شکل زیر هستند:

-me      -mi

مانند مثالهای بالا و نیز مثال زیر:

-ne	-neni
-ne	-nene

ɟelmi	می گذاریم	ɟelme	می گذارم
ɟelneni	می گذارید	ɟelni	می گذاری
ɟelnene	می گذارند	ɟelne	می گذارد

۸-۱-۲- اگر ستاک حال به همخوانهای دیگری ختم شود با آمدن /e/ میانجی شناسه‌ها به صورت زیر درمی آیند:

-embe	-embi
-eni	-enni (eneni)
-ene	-enene (enne)

مثال:

paɟ e-mbi	می پزیم	paɟ-e-mbe	می پزم
paɟ-e-neni	می پزید	paɟ-e-ni	می پزی
paɟ-e-nene	می پزند	paɟ-e-ne	می پزد

گاه همخوان پایانی /z/ و /s/، /t/ تکرار می گردد:

dez-	dezzembe	می دزدم
ɟes-	ɟessembe	می ایستم
Per-	perrembe	میبرم

چنانکه ملاحظه می شود مثال perrembe با قاعدهٔ ۸-۱-۱- مطابقت نمی کند.

حال اخباری heništen به معنی نشستن به دو صورت nišembe و nišerme شنیده می شود که در دو می /t/ میانجی است.<sup>۷</sup>

۸-۱-۳- اگر ستاک حال به همخوان /n/ ختم شود در شناسه‌ها تغییرات زیر به وجود می آید:

-mbe	-mbi
-di	-deni



-de -dene

مثال:

vimbi	می بینیم	vin- vimbe	می بینم
vindeni	می بینید	vindi	می بینی
vindene	می بینند	vinde	می بیند
یا:			
kombi	می کنیم	kon-kombe	می کنم
kondeni	می کنید	kondi	می کنی
kondene	می کنند	konde	می کند

در افعال دیگر از جمله زدن (zan-)، بریدن (verin-)، خریدن (xarin-)، توانستن (tun-) شناسه‌ها به همین شکل دیده می‌شود، تصور می‌شود بتوان گفت که به ترتیب ستاک حال به دو شکل vin- و vi-، ko- و kon-، za- و zan-، veri- و verin-، xari- و xarin-، tun- و tu- و ... ظاهر می‌شود.

۸-۱-۴- اگر ستاک حال به واکه ختم شود شناسه‌ها به شکل زیر می‌آیند:

-mbe	-mbi
-ni	-neni
-ne	-nene

مثال:

dembe	می دهم	xāmbe	می خواهم
deni	می دهی	xāni	می خواهی
dene	می دهد	xāne	می خواهد
dembi	می دهیم	xāmbi	می خواهیم
deneni	می دهید	xāneni	می خواهید
denene	می دهند	xānene	می خواهند

mbe - در گونه‌های دیگر این گویش و متون کهنه mma- است. <sup>۸</sup> در گونه‌های امروزی شهر ساری اول شخص مفرد و جمع به ترتیب به صورت mbe- و mbi- می‌آید که با

فرمول زیر قابل تبیین است:

m m > m b

بدین معنی که از دو غنه در کنار هم، اولی می ماند و دومی به /b/ لبی غیر غنه تبدیل می شود. در دَوم شخص و سوم شخص مفرد و جمع فرمول به صورت nn > nd است: بدین معنی که از دو غنه دندانی در کنار هم، اولی می ماند و دومی به /d/ دندانی تبدیل می شود و از آنجا که /m/ و /b/ هر دو دارای بست لبی و /n/ و /d/ هر دو دارای بست دندانی هستند، شناسه‌ها بارزتر شده است.

ب- حال التزامی: از ستاک حال فعل مورد نظر همراه با پیشوندهای وجه ha, da, ba و شناسه‌های حال التزامی ساخته می شود:

de-kār-em	بکارم	biyārem	بیاورم
de-kār-i	بکاری	biyāri	بیاوری
de-kār-e	بکارد	biyāre	بیاورد
de-kār-im	بکاریم	biyārim	بیاوریم
de-kār-in	بکارید	biyārin	بیاورید
de-kār-en	بکارند	biyāren	بیاورند

نقی

ne-kār-em	نکارم	niyārem	نیاورم
na-kon-em	نکنم		یا:

ملاحظه می شود که پیشوند وجه التزامی لزوماً ba یا گونه‌های آن نیست. در مصدر فعل گفتن (baputen) حال التزامی baPUREM می شود که /r/ میانجی است. (← ۸-۱-۲)

ج- فعل امر: از ستاک حال همراه با پیشوند وجه ha, da, ba در دو صیغه مفرد و جمع مخاطب ساخته می شود:

مثال:

dekār	بکار	biyār	بیاور
baxor	بخور	hākon	بکن

baxorin	بخورید	dakef	بیفت نفی
naxor	نخور	nakon	نکن
germe	می گیرم		گاه در يك فعل تغییرات واجی قابل ملاحظه است:
bayr	بگیر		حال اخباری امر

د. گذشته ساده: این زمان با پیشوند مصدری و ستاک گذشته به همراه شناسه‌های

گذشته ساده ساخته می شود.

de-kāšt-e-me	کاشتم	bi-yārd-e-me	آوردم
de-kāšt-i	کاشتی	bi-yārd-i	آوردی
de-kāšt-e	کاشت	bi-yārd-e	آورد
de-kāšt-e-mi	کاشتیم	bi-yārd-e-mi	آوردیم
de-kāšt-e-ni	کاشتید	bi-yārd-e-ni	آوردید
de-kāšt-e-ne	کاشتند	bi-yārd-e-ne	آوردند
ne-kāšt-e-me	نکاشتم	ni-yārd-e-me	نیاوردم نفی

ه- گذشته استمراری ساده: از ستاک گذشته به همراه شناسه‌های زمان گذشته ساخته

می شود. اما قبل از گذشته استمراری پیشوند مصدری نمی آید:

kāšt-e-me	می کاشتم	yārd-e-me	می آوردم
kāšt-i	می کاشتی	yārd-i	می آوردی
kāšt-e	می کاشت	yārd-e	می آورد
kāšt-e-mi	می کاشتیم	yārd-e-mi	می آوردیم
kāšt-e-ni	می کاشتید	yārd-e-ni	می آوردید
kāšt-e-ne	می کاشتند	yārd-e-ne	می آوردند
ne-kāšt-e-me	نمی کاشتم	ni-yārd-e-me	نمی آوردم نفی

### جدول زمانهای ساده

پیشوند نفی	پیشوند مصدری	سناك گذشته	میانجی	شناسه‌های گذشته	زمانها
—	de	kāšt	e	me, i, e, mi, ni, ne	گذشته ساده لازم
ne	—	kāšt	e	me, i, e, mi, ni, ne	نفی گذشته ساده لازم
—	bi	yārd	e	me, i, e, mi, ni, ne	گذشته ساده متعدی
ni	—	yārd	e	me, i, e, mi, ni, ne	نفی گذشته ساده متعدی
—	—	kāšt	e	me, i, e, mi, ni, ne	گذشته استمراری
ne	—	kāšt	e	me, i, e, mi, ni, ne	نفی گذشته استمراری
—	—	yārd	e	me, i, e, mi, ni, ne	گذشته استمراری متعدی
ni	—	yārd	e	me, i, e, mi, ni, ne	نفی گذشته استمراری متعدی
—	—	سناك حال	—	شناسه‌های حال	—
—	—	kār	—	me, ni, e, mi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به r
—	—	Paj	e	mbe, ni, ne, mbi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به همخوان
—	—	dezz	e	mbe, ni, ne, mbi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به z مشدد
—	—	perr	e	mbe, ni, ne, mbi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به r مشدد
—	—	ṣess	e	mbe, ni, ne, mbi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به s مشدد
—	—	vi, vin	—	mbe, di, de, mbi deni, dene	حال ساده ریشه مختوم به n
—	—	xā	—	mbe, ni, ne, mbi, neni, nene	حال ساده ریشه مختوم به واکه
—	de	kār	—	em, i, e, im, in, en	حال التزامی
ne	—	kār	—	em, i, e, im, in, en	* نفی حال التزامی
—	bi	yār	—	•, in	امر
ni	—	yār	—	•, in	نفی امر

\* نفی فعل حال ساده با افزودن علامت نفی بر سر فعل ساخته می‌شود

۹- زمانهای مرکب

۹-۱- گذشته نقلی: در گویش مازندرانی شکل مستقلی از گذشته نقلی وجود ندارد و بین گذشته ساده و نقلی تفاوتی وجود ندارد.

۹-۲- گذشته دور: از اسم مفعول فعل مورد نظر به اضافه زمان گذشته ساده فعل

بودن ساخته می شود:

de-kāšt-[e]- bi-me	کاشته بودم	biyārd bime	آورده بودم
de-kāšt-[e]- bī	کاشته بودی	biyārd bī	آورده بودی
de-kāšt-[e]- bi-ye	کاشته بود	biyārd biye	آورده بود
de-kāšt-[e]- bi-mi	کاشته بودیم	biyārd bimi	آورده بودیم
de-kāšt-[e]- bi-ni	کاشته بودید	biyārd bini	آورده بودید
de-kāšt-[e]- bi-ne	کاشته بودند	biyārd bine	آورده بودند

نفی

ne-kāšt-[e]- bi-me	نکاشته بودم	ni-yārd-bi-me	نیاورده بودم
--------------------	-------------	---------------	--------------

۹-۳- گذشته التزامی: این زمان از اسم مفعول فعل مورد نظر و حال التزامی فعل

بودن ساخته می شود:

de kāšt [e] bum	کاشته باشم	biyārd bum	آورده باشم
de kāšt [e] buḅi	کاشته باشی	biyārd buḅi	آورده باشی
de kāšt [e] buḅe	کاشته باشد	biyārd buḅe	آورده باشد
de kāšt [e] buḅim	کاشته باشیم	biyārd buḅim	آورده باشیم
de kāšt [e] buḅin	کاشته باشید	biyārd buḅin	آورده باشید
de kāšt [e] buḅen	کاشته باشند	biyārd buḅen	آورده باشند

نفی

ne kāšt bum	نکاشته باشم	niyārd bum	نیاورده باشیم
-------------	-------------	------------	---------------

گاه قبل از کاربرد فعل بالا کلمات *ḅāyed*، *vesse* (می بایست) و *tunesse*

(می توانست) می آید.

vesse biyārd bum باید آورده باشم

۴-۹. گذشته در حال انجام: این زمان با گذشته ساده فعل بودن «dayyen» (اندر بودن) و گذشته استمراری فعل مورد نظر ساخته می شود:

dayme kāšteme	داشتم می کاشتم	dayme yārdeme	داشتم می آوردم
day kāšti	داشتی می کاشتی	day yārdi	داشتی می آوردی
dayye kāšte	داشت می کاشت	dayye yārde	داشت می آورد
daymi kāštemi	داشتیم می کاشتیم	daymi yārdemi	داشتیم می آوردیم
dayni kāšteni	داشتید می کاشتید	dayni yārdeni	داشتید می آوردید
dayne kāštene	داشتند می کاشتند	dayne yārdene	داشتند می آوردند

۵-۹. حال در حال انجام: این زمان از صرف زمان حال ساده فعل «dayyen» (اندر بودن) و حال اخباری فعل مورد نظر ساخته می شود:

dareme kārme	دارم می کارم	dareme yārme	دارم می آورم
dari kārni	داری می کاری	dari yārni	داری می آوری
dare kārne	دارد می کارد	dare yārne	دارد می آورد
daremi kārmi	داریم می کاریم	daremi yārmi	داریم می آوریم
dareni kārneni	دارید می کارید	dareni yārneni	دارید می آورید
darene kārnene	دارند می کارند	darene yārnene	دارند می آورند

\* بی نوشتها:

۱. در بحث حاضر، نشانه / به معنی یا به کار می رود.
۲. این /s/ از نظر تاریخی /t/ است.
۳. این نشانه [ ] برای حذف به کار می رود.
۴. یدالله ثمره. «تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۲۵، ش ۱-۴، ص ۱۷۱.
۵. یدالله ثمره. همان، ص ۱۷۲.
۶. ess- از نظر تاریخی، est- است. روند تغییر به سوی ess- است که در گونه سازی دیده می شود.
۷. صادق کیا. واژه نامه طبری. تهران: انجمن ایرانویج، ۱۳۱۶، صص ۲۱۴-۲۱۶.

۸. صادق کیا. همان، صص ۲۰۲ و ۲۱۳.
۹. در اول شخص مفرد و جمع و دوم و سوم شخص جمع /e/ میانجی به علت قرار گرفتن دو تا سه همخوان کنار هم، می آید.
۱۰. رجوع کنید به پانویس شماره ۹.
۱۱. گاه این شکل برای همه اشخاص فعل به کار می رود.
۱۲. معادل دقیق ترجمه به فارسی، «در حال کاشتن هستیم»، است.

### مأخذ:

- برهان فاطم. به اهتمام محمد معین، چاپ دوم، تهران: ابن سینا، ۱۳۴۲.
- نمره، یدالله. آواشناسی زبان فارسی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴.
- «تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۲۵، ش ۱-۴، صص ۱۶۹-۱۸۷.
- کلبادی، وسیمه. «تحلیل سیستم کارواژه در لهجه مازندرانی». (چاپ نشده، موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی).
- کلباسی، ایران. گویش کردی مهاباد. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۲.
- «دستگاه فعل در گویش لاری». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، ش ۱۰، بهار ۱۳۶۷، صص ۱۴۵-۱۷۰.
- کیا، صادق. واژه نامه طبری. تهران: انجمن ایران‌نویس، ۱۳۱۶.
- نیلی پوررضا و محمدتقی طیب. «توصیف ساختمان دستگاه فعل لهجه واران». مجله زبان‌شناسی، سال دوم بهار و تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۱-۹۲.
- Nawata.Tetsuo. *Mazandarani*. Tokyo: Institute for the Study of languages and Cultures of Asia and Africa, 1984, No, 17.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی